

# عبدالامير

ویژه‌نامه بیست و ششمین سال یاد شهید  
وحدت ملی استاد عبدالعلی مزاری

بخش دوم

بنیاد اندیشه

تأسیس ۱۳۹۴



مقالات



## نگاهی به سیاست‌گذاری شهید مزاری درباره صلح



□ یحیی وقار

### مقدمه

کلان برای حل مسائل کشور و رهایی بخشی جامعه هزاره داشته است، به همین دلیل حتی با گذشت تقریباً سه دهه از شهادت ایشان، نظرات و پالیسی‌های وی مورد توجه است. یکی از محورهای اساسی در سیاست‌های شهید مزاری، سیاست‌گذاری در مورد صلح است. در این نوشتار، تلاش می‌شود تحت عنوان «نگاهی به سیاست‌گذاری شهید مزاری درباره صلح» به این پرسش اصلی پاسخ داده شود که ویژگی‌های سیاست‌گذاری شهید مزاری در مورد صلح، دارای چه ویژگی‌ها و برجستگی‌ها بوده و تا چه اندازه می‌تواند در مسیرگفتمان صلح راهگشا باشد؟ برای تبیین پالیسی‌ها و

همه سیاست‌مداران به نوعی به با مقوله سیاست‌گذاری و پالیسی‌سازی درگیرند و علاوه بر ویژگی‌ها و خصوصیات شخصیتی‌شان معمولاً نوع سیاست‌گذاری‌ها و چگونگی سیاست‌گذاری‌شان نیز مورد ارزیابی و قضاوت جامعه و پژوهشگران عرصه سیاست و اجتماع قرار می‌گیرد. سیاست‌گذاری‌ها و پالیسی‌های شهید مزاری به عنوان یکی از پیشگامان نهضت عدالت‌خواهی در افغانستان، در معرض داوری‌های متعدد و متضادی قرار داشته و دارد؛ اما قدر متیقن این است که شهید وحدت ملی، استاد مزاری، در سطح ملی و در سطح جامعه هزاره، از معدود رهبرانی است که ایده‌های

سیاست‌گذاری شهید مزاری در مورد استقرار صلح و پایان یافتن جنگ در افغانستان، چند محور اساسی در سیاست‌گذاری و پالیسی‌سازی شهید مزاری مورد بحث و بررسی قرار می‌گیرد.

## ۱. مسئله‌شناسی شهید مزاری

اولین و مهم‌ترین گام در فرآیند سیاست‌گذاری خوب، مسئله‌شناسی است. در سیاست‌گذاری‌ها، اگر مسائل درست تشخیص داده شود، گام‌های بعدی نیز در مسیر درست قرار خواهد گرفت. مسئله‌شناسی در ادبیات خط‌مشی‌گذاری عمومی به مفهوم شناسایی و جلب توجه به یک یا چند موضوع حیاتی در سرنوشت جمعی می‌باشد که باید درست و به موقع تشخیص داده شود و راه‌حل آن جستجو شود؛ بنابراین، بهترین پالیسی‌ساز و سیاست‌گذار کسی است که مسئله داشته باشد و آن را درست و به موقع تشخیص دهد و مطرح سازد. کسانی که مسئله ندارند و یا مسئله‌شان در سیاست یک امر شخصی است به هیچ وجه در افق کلان‌تر برای حل آن نه فکرمی‌کنند و نه درصدد حل آن برمی‌آیند و نه برای اجتماع مفید خواهند بود.

شهید مزاری به عنوان سیاست‌گذار و پالیسی‌ساز یک جریان سیاسی مؤثر در تحولات معاصر افغانستان، مسائل زیادی را مطرح و برای آن‌ها راه‌حل ارائه کرده است که تا امروز از دغدغه‌ها ۱۳۹۴ و دل‌نگرانی‌های مردم افغانستان بوده و است. با مراجعه به پیام‌ها، مذاکرات، مصاحبه‌ها و به ویژه سخنرانی‌های شهید وحدت ملی، مسائلی مانند ماهیت استبدادی نظام‌های سیاسی در افغانستان، بحران هویت، فقدان مشارکت مردم در تصمیم‌گیری، نا‌عادلانه بودن ساختار نظام اداری، محرومیت زنان از حقوق سیاسی و اجتماعی، تبعیض و بی‌عدالتی، نفاق و خیانت در عرصه‌های خرد و کلان بیشتر از همه مشاهده می‌شود. این موارد و موارد دیگر، بخشی از مسائلی بود که شهید مزاری - با تیزبینی و آگاهی از تاریخ افغانستان و بینش عمیق سیاسی که داشت - مطرح کرد و برای آن‌ها راه‌حل ارائه کرد. در سخنان شهید مزاری همان‌طور که از نادیده گرفته شدن مردم افغانستان و به خصوص اقوام محروم سخن گفته شده است،

عدم رعایت حقوق زنان و فقدان مشارکت آنان نیز به عنوان یک مسئله مورد توجه بوده است. به همان اندازه که از بی‌عدالتی و تبعیض سخن گفته شده و استبداد نظام‌های سیاسی نکوهش شده است، انحصارگرایی نیز نفی شده است. در یک کلام، مزاری به عنوان عصاره دردهای مردم افغانستان، مسائلی را مطرح کرد که نه تنها برای یک قشر خاص و یا یک قوم خاص، بلکه برای همه مردم افغانستان، مهم و حیاتی بوده و است. مسائلی را که مزاری مطرح کرد تا هنوز به عنوان مسائل عمده در مسیر صلح و استقرار ثبات در افغانستان مطرح است. در شرایط حاضر که قضیه صلح در جریان است هنوز مسئله حکومت استبدادی، تبعیض و بی‌عدالتی، حقوق زنان و تعیین حق مردم در سرنوشت خودشان از مسائلی است که مایه نگرانی و دغدغه مردم افغانستان است؛ زیرا دغدغه‌های مزاری شخصی و قومی نبود بلکه نگرانی‌های عمومی بود که محدودیت جغرافیایی و زمانی نمی‌شناسد؛ بنابراین، می‌توان «مسئله‌شناسی» را مهم‌ترین ویژگی و برجستگی سیاست‌گذاری‌های شهید مزاری در مورد صلح عنوان کرد. شهید مزاری به عنوان یک سیاست‌مدار مسئول، مسائلی که باعث عدم استقرار صلح در افغانستان می‌شود را تشخیص داده بود و به صراحت بیان می‌کرد.

مسائلی را که شهید وحدت ملی در سخنرانی‌ها، مصاحبه‌ها و ملاقات مردمی و سیاسی مطرح می‌کرد، اگر در فرآیند گفت‌وگوهای صلح حل نشود، امیدی به بهبود صلح در افغانستان نخواهد بود؛ بنابراین، بر اساس ویژگی مسئله‌شناسی شهید وحدت ملی، در صورتی که طالبان به عنوان یک طرف قضیه، به حل مسائل مذکور توجه نکنند، بلکه برعکس، مثل گذشته بر انحصارگرایی، تبعیض، نادیده گرفته شدن حقوق افراد، اقوام و مذاهب، عدم مشارکت مردم در تصمیم‌گیری، عدم رعایت حقوق زنان و امثال آن اصرار داشته باشند، به معنای این است که موانع و مسائل صلح به قوت خود باقی است.

## ۲. پالیسی‌های شهید مزاری در مورد صلح

«ارزیابی، انتخاب و اعلام پالیسی‌ها و خط‌مشی‌ها» یکی دیگر از مراحل مهم در فرآیند خط‌مشی‌گذاری برای حل مسئله

نه تنها متوسل به خشونت نشد، بلکه همواره بر مذاکره و نفی خشونت تأکید می‌کردند و آن را به عنوان راه حل اساسی منازعه می‌دانستند. عین سخنان شهید وحدت ملی که در سمینار بررسی مسائل سیاسی افغانستان در تاریخ ۱۳۷۲/۷/۵ ایراد شده است نقل می‌شود:

در رسانه‌ها منعکس می‌کنند که این‌ها (حزب وحدت) از خاطر حقوق مذهبی شان می‌جنگند. ما برای شما مردم شریف و دانشمندان و اساتید گرامی، اینجا اعلام می‌کنیم که ما نه در چهارده ماه گذشته، از خاطر حقوق دست به جنگ زدیم و نه هم حالا از خاطر این مسئله جنگ می‌کنیم. ولی حق خود را طلب داریم و معتقدیم که از مردم افغانستان هستیم، ما طرفدار جنگ نیستیم، از راه مسالمت اعتراض کردیم، اعلامیه دادیم، راه مذاکره برای ما باز است و این راه را ادامه می‌دهیم (حیدریگی و فصحی، ۱۳۹۷: ۱۳۴).

شهید مزاری با این نگاه که نه دوست دائمی وجود دارد و نه دشمن دائمی، اعلام پالیسی مذاکره برای حل مسائل افغانستان را یک اصل می‌دانست و این از نکات برجسته سیاست‌گذاری و سیاست‌ورزی ایشان بود و در تاریخ افغانستان فراموش نخواهد شد. به همین جهت، ایشان علاوه بر پیش گرفتن مذاکره با دولت مجاهدین تحت قیادت مرحوم مجددی و شهید ربانی، حتی با گروه طالبان نیز وارد مذاکره شد و مذاکره را در هیچ زمانی و با هیچ جریانی نفی نمی‌کرد. خلاصه کلام این‌که مذاکره به عنوان سیره عملی و نظری شهید مزاری برای استقرار صلح، تأسیس یک جامعه برابر و برخوردار از حقوق مساوی میراث ماندگار است که در تاریخ افغانستان می‌درخشد.

### ب. مشارکت مردم افغانستان و حق تعیین سرنوشت

شهید مزاری به عنوان سیاست‌گذار حزب وحدت در زمان جنگ‌های داخلی کابل در دهه هفتاد، در همه صحبت‌ها و سخنرانی‌ها و مصاحبه‌های که از ایشان مانده است، بر مشارکت مردم در قدرت سیاسی تأکید داشت و آن را یک اصل پذیرفته شده جهانی برای دولت مقتدر ملی می‌دانست.

و یا مسائل است. پرسش اصلی در مورد سیاست‌گذاری‌ها و پالیسی‌های مطرح شده از سوی شهید مزاری در مورد صلح، این است، شهید وحدت ملی چه طرح‌ها و پالیسی‌های برای استقرار صلح و ثبات در افغانستان مطرح کرده است که امروز به عنوان میراث مزاری برای صلح، قابل طرح باشد؟

شهید مزاری به عنوان یک سیاست‌مدار صاحب دغدغه، مسائل و مشکلات مردم افغانستان را که باعث عدم استقرار صلح بود و است، به خوبی شناسایی کرده بود و در سخنرانی‌ها، ملاقات، مذاکرات و مصاحبه‌های خویش نکات بسیار اساسی را در آن زمان مطرح کرده است. سه مورد از مهم‌ترین پالیسی‌های شهید مزاری در مورد صلح که از سخنرانی‌ها، اعلامیه‌ها و مصاحبه‌هایشان قابل استنباط است، به عنوان پاسخ پرسش فوق، عبارت‌اند از «تأکید بر مذاکره و نفی خشونت»، «مشارکت افغانستان» و «پذیرش تکثر قومی و مذهبی».

### الف. مذاکره و نفی خشونت

تأکید بر مذاکره و نفی خشونت حتی در مواقع بحران، یکی از سیاست‌ها و پالیسی‌های همیشگی شهید مزاری بود. با نگاهی گذرا به سیره عملی و نظری شهید مزاری، این مدعا به راحتی قابل اثبات است. شهید مزاری به عنوان سکان‌دار و رهبر یک حزب کلان سیاسی و مردمی، زمانی وارد کابل شد که در حکومت موقت دو ماهه و چهارماهه بعدی آن، هیچ سهمی برای مردم هزاره و شیعه داده نشده بود. مردم هزاره و شیعه افغانستان با مرور حافظه تاریخی‌شان با نگرانی اوضاع را دنبال می‌کردند. مزاری ضمن این‌که بر فیصله‌های رهبران پیشاور نشین اعتراض داشت، با رئیس دولت موقت دو ماهه مجاهدین به ریاست مرحوم حضرت صاحب مجددی، وارد مذاکره شده و به توافقاتی نیز دست یافتند. متأسفانه در همان زمان، حلقه خاصی تحت پوشش شورای قیادی، تلاش کردند با تبدیل کردن وزارت امنیت ملی به ریاست امنیت ملی، بخشی از توافقات حزب وحدت و دولت موقت دو ماهه را خنثی سازند. در طول دوران مقاومت غرب کابل، شهید مزاری و حزب وحدت تا زمانی که مورد تهاجم قرار نگرفت

مشارکت عادلانه اقوام و کتله‌های اجتماعی و سیاسی و تأمین عدالت اجتماعی در افغانستان نه تنها آرزوی شهید مزاری بلکه آرمان همه کسانی است که از سیاست‌های قومی، ستمی، زبانی و مذهبی عبور کرده و به مطالبات اساسی مردم افغانستان چشم دوخته‌اند.

همان‌طور که در بخش مسئله‌شناسی گفته شد، شهید مزاری انحصار قدرت، استبداد و فقدان مشارکت مردم در تصمیم‌گیری را به عنوان یک معضل و مسئله در مسیر صلح می‌دانست. به همین جهت راهکار عملی ایشان حق تعیین سرنوشت به مردم افغانستان بود. خوب است نسل امروزی بدانند مزاری در شرایطی سیاست می‌کرد و در زمانی از مشارکت مردم و حق تعیین سرنوشت به مردم افغانستان سخن گفته است که در آن زمان، انتخابی بودن نظام سیاسی در بین مجاهدین و دولت مجاهدین در حد تشکیل شورای اهل حل و عقد تفسیر می‌شد؛ اما مزاری با مطرح کردن مشارکت مردم و انتخابی بودن نظام سیاسی عملاً راهکار و پالیسی خویش را برای استقرار صلح اعلام می‌کرد و بر آن اصرار داشت. در نظام سیاسی که مشارکت مردم تمثیل نشود و مردم حق تعیین سرنوشت‌شان را نداشته باشند، صلح و ثبات منتفی خواهد بود و حکومت مقتدر ملی شکل نخواهد گرفت. در این بخش،

قسمتی از سخنان شهید مزاری که بعد از ختم دوره دولت موقت مرحوم حضرت صاحب مجددی و ختم دوره دولت ۱۳۹۴ موقت چهارماهه شهید ربانی ایراد شده است، دیدگاه ایشان را در مورد اهمیت مشارکت عمومی بیان می‌کند:

حکومتی که امروز وجود دارد، از طرف قاطبه مردم و بر مبنای یک مشروعیت قانونی به جود نیامده است، بلکه بر اساس توافق احزاب و رهبران جهادی به وجود آمده است. البته این امر طبیعی و از سنت اولیه هر انقلابی که پیروز می‌شود، این است که باید ابتدا رهبران توافق کنند و حکومتی را به وجود بیاورند و بعد آن حکومت زمینه انتخابات عمومی را فراهم کند تا همه مردم شرکت کنند و رهبر و زعیم‌شان را تعیین کنند (همان: ۱۲۴).

همچنین شهید مزاری در سخنرانی دیگری که در دانشگاه کابل در تاریخ ۱۳۷۲/۶/۱۷ ایراد کرده است، بر حق تعیین

سرنوشت مردم افغانستان توسط خودشان تأکید کرده و مراجعه به آرای عمومی را توصیه کرده است:

امروز، متأسفم چهارده ماه و یا پانزده ماه از حکومت به اصطلاح مجاهدین می‌گذرد؛ هیچ منبع قانونی نداشته، یک منبع داشته که رهبران توافق کرده‌اند که متأسفانه هیچ‌کس به توافقنامه عمل نکرده و پایبند نیست. پس چه می‌شود این مملکت... بیاین یک بار هم که شده در تاریخ، این شهامت را نشان بدهند و به خاطر منافع مردم ما و احترام به این مردم که یک میلیون ونیم شهید داده‌اند، بگویند شما سرنوشت‌تان را خودتان تعیین کنید (همان: ۲۱۱).

بنابراین، در شرایط امروز نیز، پالیسی مشارکت مردم به عنوان میراث شهید مزاری می‌تواند در عرصه صلح نقش آفرینی داشته و ماندگار باشد؛ بنابراین، آنچه در مذاکرات قطر از طرف گروه طالبان ابراز می‌شود و موارد کلی مانند نظام اسلامی، زعیم اسلامی، امارت اسلامی مطرح می‌شود و بدین ترتیب مشارکت عمومی مردم در سرنوشت‌شان نادیده گرفته می‌شود، از نگاه پالیسی شهید مزاری نه تنها کمک به صلح نمی‌کند بلکه باعث مشکلات بیشتر در مسیر صلح و ثبات در افغانستان خواهد شد.

### ج. پذیرش تکثر هویت‌های قومی، مذهبی و جنسیتی

یکی از مسائلی که در تاریخ افغانستان همیشه مانع صلح پایدار بوده و است، تبعیض نژادی، قومی، مذهبی و جنسیتی است. شهید مزاری که تبعیض و نفی افراد، مذاهب و اقوام را مانع وحدت ملی، انسجام اجتماعی و در نتیجه مانع صلح و استقرار دولت مقتدر ملی می‌دانست، راه حل این مشکل را در پذیرش تکثر هویت‌های قومی، مذهبی و جنسیتی جستجو و بر آن تأکید می‌کرد. شهید مزاری در راستای اهمیت پذیرش تکثر هویت‌های مختلف قومی و مذهبی برای استقرار صلح و ثبات در افغانستان مواردی را مطرح کرده است و به چند نمونه آن به طور خلاصه نقل به مضمون و اشاره می‌شود.

۱. شهید مزاری، در سخنرانی مورخ ۱۳۷۲/۷/۵ در سمینار مسائل سیاسی افغانستان، با اشاره به مسوده قانون

با الهام از پالیسی‌های شهید وحدت ملی باید کوشید تا مذاکرات صلح و نتایج آن بر محور تکثر جامعه افغانستان استوار شود.

۴. بررسی استحکام و مؤثریت پالیسی‌های شهید مزاری مهم‌ترین معیارها و شاخص‌های که لازم است در بررسی پالیسی، انتخاب پالیسی و اعلام پالیسی‌ها باید ملاحظه شود، عبارت‌اند از: «توامیت آرمان‌گرایی و واقع‌گرایی، امکان عملی شدن پالیسی، حداکثرسازی نفع اجتماعی و ملی، نگاه سیستمی به خط‌مشی‌ها و پالیسی‌ها، کسب نظر ذی‌نفعان و جامعه». حال با توجه به معیارهای مذکور، پرسش دوم در مورد استحکام و مؤثریت پالیسی‌های شهید مزاری در مورد صلح را می‌توان این‌گونه مطرح کرد که سیاست‌ها و پالیسی‌های مطرح شده از سوی شهید مزاری تا چه اندازه با معیارها و شاخص‌های پالیسی‌سازی خوب مطابقت دارد تا از استحکام و مؤثریت آن در گفتمان صلح اطمینان یافته و استفاده کرد؟ با استناد به شیوه مباحث مطرح شده در سخنان شهید مزاری و مطابقت آن با معیارها و شاخص‌های سیاست‌گذاری خوب، پاسخ به سؤال فوق در چند محور تبیین می‌شود.

### الف. توأمیت واقع‌گرایی و آرمان‌گرایی

شهید وحدت ملی، استاد مزاری بر اساس ضرورت توأم بودن آرمان‌گرایی و واقع‌گرایی، مواردی را به عنوان خط‌مشی برگزید که در حقیقت ترکیبی از آرمان‌گرایی و واقع‌گرایی بود؛ به طور مثال، شهید مزاری همان‌طور که راه حل مسئله اختلاف در جامعه هزاره را در وحدت و اتحاد می‌دید، برای مردم افغانستان نیز صریحاً اعلام کرد که ما وحدت ملی را یک اصل می‌دانیم و نباید حقوق هیچ‌یک از اقوام نادیده گرفته شود و در این مملکت همه بیابند برادروار زندگی کنند. اگر شهید مزاری، پالیسی تحقق عدالت و رفع تبعیض را مطرح کرد، از یک طرف، به واقعیت‌های افغانستان نظر داشت که استبداد و بی‌عدالتی چگونه در طول قرن‌ها باعث عقب ماندگی، زوال حکومت‌ها و عدم ثبات سیاسی در افغانستان شده است. از طرف دیگر با توجه به این‌که عدالت و رفع تبعیض به عنوان

اساسی دولت مجاهدین و ضمن گلابه از نادیده گرفته شدن مذهب جعفری در پیش‌نویس قانون اساسی، تصریح کرده است پذیرش هویت مذهبی بخش عظیمی از مردم افغانستان که نادیده گرفته شده است یک اصل اساسی برای صلح و ثبات در افغانستان است (همان: ۱۳۳).

۲. شهید وحدت ملی در بخش دیگری از سخنرانی خویش در همان سمینار، بر رسمیت بخشیدن حقوق زنان و حقوق بشر و درج آن در قانون اساسی تأکید کرده است. ایشان ضمن اشاره به رعایت حقوق بشر و حقوق زنان و درج آن در قانون اساسی، کسانی را که به حقوق زنان باور نداشتند و حقوق بشر را مخالف اسلام می‌دانستند نکوهش کرده و گفته است، اگر مجاهدین بیابند و بگویند حقوق بشر در زمان پیغمبر اسلام نبود، با پویای اسلام به دور است و ما باید از تجربیات بشری و مجامع بین‌المللی کمک بگیریم. (همان: ۱۲۸-۱۲۹).

۳. شهید مزاری در سخنرانی دیگری که در خزان سال ۱۳۷۱ در جمعی از بزرگان و متنفذین کابل ایراد کرده‌اند، پالیسی خویش در مورد پذیرش هویت‌های قومی و نفی تبعیض قومی را چنین اعلام کرده است: «ما مردم افغانستانیم، هیچ نژادی را نمی‌خواهیم نفی کنیم. ترکمن است، هزاره است، تاجیک است، افغان (پشتون) است، ایماق است و دیگر اقوام هستند. همه آن‌ها بیابند در این مملکت برادروار زندگی کنند و هر کس به حقوقش برسد و هر کس درباره سرنوشت خودش تصمیم بگیرد؛ این حرف ماست. اگر کسی بیاید و نژاد خودش را حاکم بسازد، دیگران را نفی بکند؛ این فاشیستی است، این خلاف رسوم بین‌المللی است» (همان: ۴۷).

۴. شهید مزاری با مطرح کردن پالیسی پذیرش تکثر هویت‌های قومی، مذهبی و جنسیتی و حقوق بشر، دقیقاً به راه‌حل‌های اشاره کرده است که در قانون اساسی فعلی به رسمیت شناخته شده است؛ بنابراین، پذیرش تکثر قومی و مذهبی در افغانستان که ریشه در سیاست‌ها و پالیسی‌های شهید مزاری نیز دارد و در قانون اساسی نیز پذیرفته شده است، از خطوط سرخ در مذاکرات صلح به حساب می‌آید؛ بنابراین،

یک خواسته انسانی مطرح است و می‌تواند باعث ثبات سیاسی و در نتیجه صلح و ترقی ملت افغانستان و ماندگاری حکومت‌ها شود جنبه آرمان‌گرایی نیز داشت و دارد.

## ب. نگاه سیستمی به سیاست‌گذاری و پالیسی‌سازی؛

شهید مزاری بر اساس نگاه سیستمی، نگاه تک‌محوری به پالیسی‌ها نداشت، بلکه مجموعه‌ای از پالیسی‌ها را به عنوان یک سیستم و مانند حلقه‌های زنجیر که متصل به هم باشد می‌دید. بر مبنای همین شاخص، در کنار پالیسی تحقق عدالت اجتماعی و به همان اندازه که بر آن تأکید داشت، پذیرش تکثرویت مذهبی و قومی و جنسیتی را در افغانستان از اصول و پایه‌های اساسی صلح می‌دانست. شهید مزاری با همین نگاه سیستمی، با مطرح کردن تأمین حقوق زنان نشان داد که با نگاه انسانی به این قضیه می‌توان به یکی از مسائل مهم حقوق بشری در افغانستان پایان داد و از ظرفیت‌های نصف جمعیت کشور برای ترقی و پیشرفت و تربیت نسل آگاه استفاده اثربخش و مؤثر کرد.

## ج. امکان عملی شدن پالیسی‌ها

یکی دیگر از معیارها و شاخص‌های مهم در سیاست‌گذاری و پالیسی‌سازی، امکان عملی شدن سیاست‌ها و پالیسی‌ها است. گذر زمان نشان داد، به رغم مخالفت با سیاست‌ها و پالیسی‌های شهید مزاری که در زمان خودش صورت می‌گرفت و گوش شنوا وجود نداشت، بخش زیادی از سیاست‌ها و پالیسی‌های شهید مزاری در قانون اساسی فعلی افغانستان درج و به رسمیت شناخته شد. بدین ترتیب، حداقل مبنای حقوقی برای رفع تبعیض قومی، مذهبی، جنسیتی و زبانی فراهم شد. عملی شدن سیاست‌های شهید مزاری نشان داد تا چه اندازه با نگاه تیزبین و درک عمیقش از مشکلات سیاسی افغانستان، مسائل را درست تشخیص داده بود و برای رفع آن مسائل، راه‌حل‌ها، سیاست‌ها و پالیسی‌های انسانی و سرنوشت‌ساز ارائه کرد.

## ۴. جمع‌بندی

شهید وحدت ملی استاد مزاری سیاست‌مداری بود دارای مسئله عمومی و نه شخصی؛ بنابراین، مهم‌ترین ویژگی ایشان در بحث سیاست‌گذاری این بود که با دغدغه‌های انسانی و فراتر از قوم، نژاد، منطقه، زبان و مذهب، مسائل را در سطح کلان شناسایی کرده بود و با شجاعت تمام این دردها و مشکلات عمومی را مطرح کرد. شهید مزاری در سخنرانی‌ها و مصاحبه‌های خویش با توجه به ضرورت توأم بودن آرمان‌گرایی و واقع‌گرایی، ضرورت نگاه سیستمی به خط‌مشی‌ها، ضرورت جامعیت و حداکثرسازی نفع اجتماعی در خط‌مشی‌گذاری، سرنوشت‌سازترین پالیسی‌ها را برای حل مسائل موجود و استقرار صلح مطرح کرد که به طور مشخص می‌توان به پالیسی «مذاکره و نفی خشونت»، «مشارکت مردم افغانستان»، «پذیرش تکثرویت‌های قومی، مذهبی و...»، «تأمین عدالت اجتماعی»، «تأمین حقوق زنان و حقوق بشر» اشاره کرد. همچنین با توجه به مطابقت پالیسی‌های مذکور با معیارهای پالیسی‌سازی، این راهکارها از استحکام و ظرفیت لازم برای عصر حاضر و گفتمان صلح برخوردار است.

بنابراین با توجه به نوع مسئله‌شناسی شهید مزاری، اتخاذ سیاست‌ها و پالیسی‌های مناسب از سوی ایشان، ادعای گزافی نیست که گفتمان شهید وحدت ملی و پالیسی‌های ایشان تا هنوز ظرفیت الگودهی در حل مسائل عمومی کشور و از جمله روند صلح را دارد، این راز جاودانگی اندیشه‌های شهید مزاری است.

## منابع

۱. حیدر بیگی، حسین و فصیحی، امان‌الله (۱۳۹۷)، احیای هویت مجموع سخنرانی‌های شهید وحدت ملی استاد عبدالعلی مزاری، کابل: بنیاد اندیشه.